269847 ـ قوامت و سرپرستی مرد بر زن؛ مفهوم و اسباب آن

سوال

پرسش من دربارۀ سیاق تاریخی آیۀ ۳۴ سورۀ نساء است. من تفسیر ابن کثیر و دیگر کتب تفسیر را خواندم و سیاق تاریخی را به دست نیاوردم. آیا برای شما ممکن است که لطف کنید و روند تاریخی آیه هنگام نزولش را بیان کنید؟ سبب نزول این آیه چیست؟ چه هنگام نازل شده؟ و دربارۀ چه کسی نازل شده است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

دربارۀ این سخن حق تعالی که می‌فرماید: الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيّاً كَبِيراً [نساء: ۳۴] (مردان بر زنان سرپرست و نگهبانند، به دلیل آنکه الله برخی از اینان را بر برخی برتری داده است و [نیز] به دلیل آنکه از اموال خویش [برای زنان] خرج می‌کنند. پس زنانِ صالح، [آنانند که هم از الله و هم از شوهرانشان] فرمانبردارند [و] به پاس آنچه الله [برایشان] حفظ کرده است [اسرار و حقوق شوهران خود را] در غیابِ [آنان] حفظ می‌کنند؛ و [ای شوهران،] به زنانی که از نافرمانی‌شان بیم دارید، پند و اندرز دهید؛ [اگر فرمانبردار نشدند،] در بستر از آنان دوری کنید [و اگر تأثیر نکرد،] آنان را [طوری که آزار نبینند] بزنید؛ پس اگر از شما اطاعت کردند، هیچ راهی برای [بهانه‌جویی و سرزنش] بر آنها مجویید [و بدانید که] به راستی الله بلندمرتبۀ بزرگ است).

این آیه قوامت و سرپرستی مرد بر زن و ولایت او بر تادیب زن در صورت ترس از نشوز و سرکشی را در خود دارد.

الله تعالی برای این قوامت دو سبب آورده است: یکی موهبتی است از سوی الله تعالی که برتری مردان بر زنان است و دومی آن چیزی است که مرد با کسب خود به دست می‌آورد یعنی هزینه کردن و نفقه برای همسرش.

الله تعالی می‌فرماید: بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ (به دلیل آنکه الله برخی از اینان را بر برخی برتری داده است و [نیز] به دلیل آنکه از اموال خویش [برای زنان] خرج می‌کنند).

الله متعال در موضعی دیگر این قوامت را ذکر کرده و فرموده است: وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ [بقره: ۲۲۸] (و زنان حقوق شایسته‌ای [بر عهده مردان] دارند همانند [و همسنگِ وظایفی] که بر عهده دارند و مردان [در سرپرستی و امرِ طلاق] بر آنان برتری دارند؛ و الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است).

ابن کثیر ـ رحمه الله ـ در تفسیرش (۱/۳۶۳) می‌گوید: «این سخن حق تعالی که: وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ (و مردان بر آنان برتری دارند) یعنی برتری در خلق و اخلاق و منزلت و اطاعت امر و هزینه کردن و انجام مصالح و برتری در دنیا و آخرت، چنانکه حق تعالی می‌فرماید: الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ (مردان بر زنان سرپرست و نگهبانند، به دلیل آنکه الله برخی از اینان را بر برخی برتری داده است و [نیز] به دلیل آنکه از اموال خویش [برای زنان] خرج می‌کنند)».

وی همچنین (۱/۶۵۳) می‌گوید: «الله تعالی می‌فرماید: {الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ} (مردان بر زنان سرپرست و نگهبانند) یعنی مرد قَیّم و سرپرست زن است یعنی رئیس و بزرگ او و حاکم بر او و مؤدب او در صورت کج رفتن است بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ (به دلیل آنکه الله برخی از اینان را بر برخی برتری داده است) یعنی مردان برتر از زنان هستند و مرد بهتر از زن است، از این رو پیامبری خاص به مردان بوده و همینطور مُلک والا (امامت) مخصوص مردان است به دلیل این سخن پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ که: «قومی که امرشان را به زن سپرده‌اند، رستگار نمی‌شوند». به روایت بخاری از عبدالرحمن بن ابوبکره از پدرش. همینطور منصب قضا و دیگر مناصب خاص مردان است.

وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ (و [نیز] به دلیل آنکه از اموال خویش [برای زنان] خرج می‌کنند). یعنی مهریه و نفقه و دیگر هزینه‌هایی که خداوند در کتابش و در سنت پیامبرش ـ صلی الله علیه وسلم ـ بر آنها واجب کرده است. بنابراین مرد ذاتا از زن بهتر است و بر او صاحب فضل است، بنابراین مناسب بود که سرپرست او باشد، چنانکه الله تعالی می‌فرماید: وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ (و مردان بر آنان برتری دارند). علی بن ابی طلحه از ابن عباس روایت کرده که دربارهٔ آیهٔ الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ (مردان بر زنان سرپرست و نگهبانند) گفت: یعنی امیر آنها هستند و زن باید در آنچه مرد به او امر کرده از جمله اطاعتش، مطیع او باشد و طاعت زن از مرد این است که در حق خانواده‌اش نیکوکار باشد و حافظ مال او باشد».

بیضاوی ـ رحمه الله ـ در تفسیرش (۲/۱۸۴) می‌گوید: الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ (مردان بر زنان سرپرست و نگهبانند). یعنی مانند سرپرستی و قیام والیان بر رعیت، بر آنان سرپرستی می‌کنند.

او برای این سرپرستی دو علت آورده است: یکی موهبتی و دیگری کسبی و می‌گوید: بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ (به دلیل آنکه الله برخی از اینان را بر برخی برتری داده است). به سبب برتری‌ای که الله تعالی برای مردان بر زنان قرار داده است، یعنی از جهت عقل و تدبیر نیکو و قدرت بیشتری که در اعمال و طاعات دارند، برای همین نبوت و امامت و برگزاری شعائر و تدبیر و گواهی دادن در قضایای عام و وجوب جهاد و جمعه و مانند آن بر وی و بیشتر بودن سهم او در میراث و

بودن طلاق به دست او.

وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ (و به دلیل آنکه از اموال خویش [برای زنان] خرج می‌کنند) در ازدواج با زنان مانند مهریه و نفقه».
نقل با کمی تغییر و تصرف.

زحیلی می‌گوید: «مرد، قَیّم زن است، یعنی رئیس و بزرگ او و حاکم بر او و مؤدبش اگر به کجی رود و اوست که مسئول حمایت و رسیدگی به امور زن است و دو برابر او میراث دارد، زیرا مکلف شده که نفقهٔ او را بدهد.

سبب قوامت مرد دو چیز است:

نخست: وجود ویژگی‌های بدنی و خصوصیات او در خلقت: خلقت مرد کامل است و ادراک او قوی و عقلش نیرومند و عاطفه‌اش معتدل و بُنیه‌اش سالم. از این رو مرد در عقل و رای و عزم و نیرو بر زن برتری دارد. برای همین رسالت و پیامبری و امامت بزرگ و قضاوت مخصوص مردان است و برپا داشتن شعائر مانند اذان و اقامه و خطبه و جمعه و جهاد نیز فقط بر عهدهٔ مردان است و طلاق به دست آنان است و چند زنی برای آنان مباح است و در جنایات و حدود شهادت مخصوص آنان است و در میراث و تعصیب سهم بیشتری دارند.

دوم: وجوب هزینه کردن برای همسر و زنان خویشاوند و ملزم بودن او به دادن مهریه که نماد بزرگداشت زن است.

به جز این امور، مرد و زن در حقوق و وظایف برابر هستند و این از زیبایی‌های اسلام است. الله تعالی می‌فرماید: وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلِلرِّجالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ [بقره: ۲۲۸] (و زنان حقوق شایسته‌ای [بر عهدهٔ مردان] دارند همانند [و همسنگِ وظایفی] که بر عهده دارند و مردان [در سرپرستی و امرِ طلاق] بر آنان برتری دارند) یعنی: در ادارهٔ خانه و نظارت بر امور خانواده و ارشاد و مراقبت...» (التفسیر المنیر: ۵/ ۵۴).

ثانیا:

دربارهٔ سبب نزول این آیه احادیث ضعیفی آمده، از جمله آنچه طبری ـ رحمه الله ـ در تفسیرش (۸/ ۲۹۱) از حسن بصری نقل کرده که: مردی زنش را زد، پس آن زن به نزد پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آمده و خواست که برایش از او قصاص بگیرد، پس حق تعالی چنین نازل کرده: الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ [نساء: ۳۴] (مردان بر زنان سرپرست و نگهبانند، به دلیل آنکه الله برخی از اینان را بر برخی برتری داده است و [نیز] به دلیل آنکه از اموال خویش [برای زنان] خرج می‌کنند)، پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آن زن را فرا خواند و آیه را برایش تلاوت کرد و فرمود: «تو چیزی خواستی و الله چیزی دیگری خواست».

سند این داستان تا حسن بصری صحیح است اما حسن تابعی است، بنابراین این روایت مرسل است و مُرسَل از انواع

روایت ضعیف است.

مقاتل می‌گوید: این آیه دربارهٔ سعد بن ربیع نازل شد که از نقبای انصار بود و همسرش حبیبه دختر زید بن ابوهریره بود که آن دو از انصار بودند، و این پس از آن بود که آن زن بر شوهرش نشوز (سرکشی) کرد و شوهرش او را زد...

ثالثا:

اما سیاق و مناسبت این آیه با آیات پیشین: «الله تعالی اینجا سبب برتری مردان بر زنان را ذکر کرده پس از آنکه نصیب هر یک را در میراث بیان نمود و از اینکه مردان و زنان برتری‌هایی را که خداوند برای هر یک بر دیگری قرار داده آرزو کنند، نهی کرده است». (زحیلی، التفسیر المنیر: ۵/ ۴۵).

این اشاره‌ای است به سخن حق تعالی که می‌فرماید: وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا [نساء: ۳۲] ([ای مؤمنان] آنچه را که الله به وسیلهٔ آن، برخی از شما را بر برخی دیگر برتری داده است، آرزو مکنید [تا دچار حسد نشوید]. مردان از آنچه به دست آورده‌اند [پاداش و] بهره‌ای دارند و زنان [نیز] از آنچه به دست آورده‌اند [اجر و] بهره‌ای دارند؛ و از بخشش الله [چیزی] بخواهید. بی‌تردید، الله به هر چیزی داناست).

والله اعلم.